



جلسه: ۷۰  
تاریخ: ۱۴۰۳/۱۰/۰۵

درس: نظام اقتصادی اسلام  
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی  
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## منابع مالی حکومت اسلامی

بحث در منابع مالی حکومت اسلامی قرار دارد که در این زمینه به موارد متعددی در کلمات فقها اشاره شده است. در جلسات پیشین، معدن به عنوان اولین منبع مالی برای حکومت اسلامی مطرح شده و این مسأله به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت.

### منبع دوم: آب ها

دومین منبع از منابع طبیعی که جزو منابع مالی حکومت اسلامی مطرح شده، آب ها اعم از دریاها، نهرهای بزرگ و حتی آب های زیرزمینی است. برخی از فقها حتی چشمه ها را نیز به این موارد اضافه کرده اند.<sup>۱</sup> منبع مالی بودن آب ها به این جهت است که علاوه بر امکان استفاده از خود آب ها و حمل و نقلی که توسط آنها صورت می گیرد، از جهت اموالی همچون ماهی ها و مرواریدهایی که از آن استخراج می شود، می تواند محل استفاده باشد؛ چون به عنوان مثال در برخی روایات تعبیر دریا ذکر شده است که اشیای موجود در آن را هم شامل می شود.

در ارتباط با اینکه آب ها جزو منابع مالی حکومت اسلامی باشند، در بین فقها اختلاف رخ داده و دو نظریه قابل اشاره است:

نظریه اول: جزو انفال بودن آب ها

فقهای همچون شیخ کلینی، شیخ مفید، ابوالصلاح حلبی و همچنین برخی از فقهای معاصر از قائلین به این نظریه هستند.<sup>۲</sup> در اصل ۴۵ از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز دریاها و نهرهای بزرگ جزو انفال شمرده شده و ثروت عمومی قلمداد شده است.

نظریه دوم: جزو مشترکات بودن آب ها

امام خمینی از جمله کسانی است که در مقام شمارش انفال، اشاره ای به آنها نکرده اند و در بحث احیای موات نیز آبها را جزو مشترکات ذکر کرده اند که مباح اصلی هستند.

### آدله قائلین به جزو انفال بودن آب ها

قائلین به اینکه آب ها جزو انفال هستند، به یک آیه از قرآن کریم و تعدادی از روایات استدلال کرده اند:

### دلیل اول: آیه ۱ سوره انفال

دلیل اول بر اینکه آبها جزو انفال هستند، آیه شریفه «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ»<sup>۳</sup> است؛ چون در این آیه شریفه، انفال را متعلق به خداوند متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دانسته است. از طرف دیگر عنوان انفال شامل آب ها هم می شود؛

۱. لازم به ذکر است که تقسیمات جغرافیایی که بر اساس آن، مرز بندی صورت گرفته و رودها و دریاها را متعلق به کشورهای مختلف دانسته است، در این بحث معیار نیست؛ چون این تقسیمات برای تنظیم امور بین کشورها صورت گرفته است و صرفاً تقسیمات اعتباری است و ربطی به ملکیت ندارد. در صورتی که اثبات شود که آب ها جزو انفال محسوب شده و متعلق به امام علیه السلام هستند، همه آنها متعلق به امام علیه السلام خواهند بود و در این زمینه، مکان آنها هیچ تأثیری ندارد؛ حتی اگر در سایر کشورها اعم از مسلمان و غیر مسلمان قرار داشته باشد. همه آنها متعلق به امام علیه السلام خواهد بود؛ چون نظام اقتصادی اسلام اختصاص به مرز سیاسی خاصی ندارد و همه دنیا را شامل می شود.

۲. از معاصرین، مرحوم شیخ مرتضی حائری و همچنین مرحوم آقای منتظری از قائلین به این نظریه هستند.

۳. سوره انفال ۱.



جلسه: ۷۰  
تاریخ: ۱۴۰۳/۱۰/۰۵

درس: نظام اقتصادی اسلام  
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی  
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

چون انفال به معنای زیادی از اموال مردم است و هر چیزی که متعلق به مردم نباشد، جزو انفال محسوب می شود. مرحوم شیخ مرتضی حائری و همچنین مرحوم آقای منتظری به این دلیل استدلال کرده و مدعی شده اند که در مورد آب ها نیاز به دلیل خاص وجود ندارد و با تمسک به آیه انفال می توان تعلق آنها به معصومین علیهم السلام را اثبات کرد.

شبهه این استدلال در باب معدن نیز مطرح گردیده است، اما همان طور که بیان گردید، این استدلال صحیح نیست؛ چون ممکن است انفال اصطلاح خاصی باشد و به همین جهت، شمول آن نسبت به همه اموال مازاد بر ملک مردم روشن نیست. شاهد بر این مطلب این است که در مرسله حماد بن عیسی، امام علیه السلام معادن و زمین های نمک زار را جدای از انفال ذکر کرده اند؛ لذا روشن می شود که هر زیادی بر اموال مردم، جزو انفال نیست بلکه اموال زائد بر مال مردم بر دو قسم است که بخشی از آنها جزو انفال و بخشی دیگر جزو مشترکات و مباحات هستند. به همین دلیل، برخی از فقها آب ها را جزو انفال ذکر نکرده و از آنها در باب مشترکات یاد کرده اند کما اینکه نسبت به معادن نیز این استدلال مورد پذیرش برخی از فقها واقع نشده و معادن را جزو مشترکات ذکر کرده اند. بنابراین دلیل اول قابل استناد نیست.

## دلیل دوم: روایات

دلیل دوم بر اینکه آب ها جزو انفال محسوب می شوند، تعدادی از روایات است.

## روایت اول: صحیحہ حفص بن بختری

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ جَبْرِئِيلَ ع كَرَى بِرِجْلِهِ  
خَمْسَةَ أَنْهَارٍ وَلِسَانَ الْمَاءِ يَتَّبِعُهُ الْفُرَاتُ - وَ دِجْلَةٌ وَ نَيْلٌ وَ مِصْرٌ وَ مِهْرَانٌ وَ نَهْرٌ بَلْخٍ - فَمَا سَقَتْ أَوْ سَقِيَ مِنْهَا فَلِلْإِمَامِ  
وَ الْبَحْرِ الْمُطِيفُ بِالْدُّنْيَا وَ هُوَ أَفْسِيكُونُ<sup>۲</sup>

این روایت علاوه بر نقل شدن در من لایحضره الفقیه و خصال<sup>۳</sup>، در کافی نیز نقل شده است که نقل شیخ کلینی دارای دو سند است. در سند اول ایشان، محمد بن اسماعیل قرار دارد که اشکال نسبت به ایشان، موجب ضعف سند نمی شود؛ چون علاوه بر او، شیخ کلینی این روایت را به سندی دیگری از علی بن ابراهیم نقل کرده است که صحیحه است.<sup>۴</sup> بنابراین سند روایت معتبر بوده و با اشکالی مواجه نیست.

در این روایت، تعبیر «لسان الماء» محل بحث واقع شده است. احتمال اول این است که منبع آب در روی زمین بوده و آب های روی زمین از آنجا جوشیده و بیرون آمده باشد؛ یعنی جبرئیل با پای خود از آنجا پنج نهر جاری کرده است که یکی از آنها فرات و دیگری

۱. متعلق نبودن آب ها به مردم از مسلمات است و کاملاً روشن است که آب ها ملک مردم نیست بلکه جزو مشترکات است و همه نسبت به آن مساوی اند و یا اینکه از انفال بوده و متعلق به امام علیه السلام است.

۲. وسائل الشیعة ۹: ۵۳۰.

۳. سند شیخ صدوق در خصال این چنین است: «حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ». الخصال ۱: ۲۹۱.

۴. سند شیخ کلینی این چنین است: «مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ». الكافي ۱: ۴۰۹.



جلسه: ۷۰  
تاریخ: ۱۴۰۳/۱۰/۰۵

درس: نظام اقتصادی اسلام  
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی  
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

دجله و دیگر نهرها بوده است. در نتیجه گویا چشمه ای بوده است که از آن چند نهر جاری شده است. احتمال دیگر این است که وقتی آب جاری شده و به حرکت در می آید، ابتدای آن همانند زبان است و به همین مناسبت، تعبیر «لسان الماء» به کار برده شده است. البته اگر مقصود از این تعبیر نیز روشن نگردد، ضرری به استدلال به روایت وارد نمی کند؛ چون در ادامه روایت به روشنی بیان شده است که هر زمینی که از این آب ها سیراب شود، متعلق به امام علیه السلام خواهد بود. از این تعبیر استفاده می شود که این آب ها نیز متعلق به امام علیه السلام بوده است.

در ادامه نیز بیان شده است که آبی که دور دنیا می چرخد و آن را احاطه کرده است، برای امام علیه السلام است. از این تعبیر استفاده شده است که همه دریاها و اقیانوس ها به یکدیگر متصل هستند و موجب احاطه آنها به دور دنیا شده است. در مورد این آب ها بیان شده است که متعلق به امام علیه السلام هستند که این بخش نیز مؤید برای تعلق همه نهرهای پنج گانه به امام علیه السلام است. در انتهای روایت، تعبیر «وَهُوَ أَفْسِيكُونٌ» به کار رفته است که مقصود از آن روشن نیست. برخی مدعی شده اند که اصل این تعبیر به صورت «و هو آبسیکون» بوده است که نام منطقه ای در خزر است و آب در آنجا ساکن است. برخی نیز بیان کرده اند که دریای خزر مقصود بوده است. البته در کافی به این تعبیر اشاره نشده است و لذا برخی گفته اند: اساساً این تعبیر کلام امام علیه السلام نیست و توسط شیخ صدوق ذکر شده است.

این روایت در بحث تعلق کل دنیا به معصومین علیهم السلام مطرح شده و در آنجا مطرح گردید که روشن نیست آب ها و زمین هایی که از آنها سیراب می شوند، جزو انفال باشند؛ چون نسبت به تعلق این زمین ها به معصومین علیهم السلام احتمالات متعددی از قبیل ملکیت حقیقی، ملکیت طولی و ولایت تصرفی قابل طرح است. بنابراین استدلال به این روایت برای اثبات اینکه همه آب ها جزو انفال هستند، با اشکال مواجه است. علاوه بر اینکه ظاهر روایت مبنی بر اینکه تمامی آب ها و زمین های اطراف آن، جزو انفال بوده و به عنوان ملک اعتباری به ائمه علیهم السلام تعلق داشته باشد، مورد عمل اصحاب واقع نشده است. بنابراین در عین اینکه روایت از لحاظ سندی قابل استناد است، اما استناد به آن به لحاظ دلالتی با اشکال مواجه است.

## روایت دوم: روایت یونس بن ظبیان یا معلی بن خنیس

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ  
الثُّعْمَانِ عَنْ صَالِحِ بْنِ حَمْرَةَ عَنْ أَبَانَ بْنِ مُصْعَبٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ أَوْ الْمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ  
اللَّهِ عَ مَا لَكُمْ مِنْ هَذِهِ الْأَرْضِ فَتَبَسَّمَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ جَبْرَائِيلَ - وَ أَمْرَهُ أَنْ يَحْرِقَ بِإِبْهَامِهِ ثَمَانِيَةَ أَنْهَارٍ فِي  
الْأَرْضِ مِنْهَا سَيْحَانٌ وَ جَيْحَانٌ وَ هُوَ نَهْرٌ بَلْخَ - وَ الْخَشُوعُ وَ هُوَ نَهْرُ الشَّاشِ - وَ مِهْرَانٌ وَ هُوَ نَهْرُ الْهِنْدِ - وَ نَيْلُ  
مِصْرَ وَ دِجْلَةُ وَ الْفُرَاتُ - فَمَا سَقَتْ أَوْ أَسْقَتْ فَهُوَ لَنَا وَ مَا كَانَ لَنَا فَهُوَ لِشِيعَتِنَا وَ لَيْسَ لِعَدُوِّنَا مِنْهُ شَيْءٌ إِلَّا مَا  
غَضَبَ عَلَيْهِ وَ إِنَّ وَلِيَّنَا لَفِي أَوْسَعٍ فِيمَا بَيْنَ ذِهِ إِلَى ذِهِ يَعْنِي بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ  
آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا الْمَغْضُوبِينَ عَلَيْهَا خَالِصَةً لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ۚ

سند این روایت با توجه به اینکه مرحوم کلینی آن را با تردید نقل کرده است، با اشکال مواجه است.



جلسه: ۷۰  
تاریخ: ۱۴۰۳/۱۰/۰۵

درس: نظام اقتصادی اسلام  
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی  
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

در این روایت نقل شده است که خداوند متعال جبرئیل را فرستاده است که با انگشت خود هشت نهر جاری کند. البته در روایت پیشین به جریان پنج نهر توسط جبرئیل اشاره شده است. اما نکته مهم این است که این روایت بیان کرده است که هر چه از این آب ها سیراب شود، برای ائمه علیهم السلام خواهد بود و بعد از ایشان در اختیار شیعیان قرار می گیرد؛ لذا اگرچه به صراحت بیان نشده است که آب ها برای ائمه علیهم السلام هستند، اما صرف اینکه زمین های سیراب شده برای ائمه علیهم السلام باشد، برای اثبات ملکیت ائمه علیهم السلام نسبت به آب ها کافی است؛ چون اگرچه تلازم عقلی بین ملکیت زمین ها و ملکیت آب ها وجود ندارد، اما از نظر عرفی این تلازم ثابت است. در نتیجه اثبات می شود که همه زمین ها متعلق به ائمه علیهم السلام هستند. مناقشه در این روایت همانند مناقشه ذکر شده بر روایت پیشین است؛ چون روشن نیست که آب ها جزو انفال هستند یا اینکه ملک اعتباری ائمه علیهم السلام هستند و یا اینکه اساساً ائمه علیهم السلام صرفاً ولایت تصرف در آنها را دارند. علاوه بر اینکه روایت با اشکال سندی نیز مواجه است.

### روایت سوم: روایت مسمع بن عبدالملک

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي سَيَّارٍ مَسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ فِي حَدِيثٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِنِّي كُنْتُ وُلِّيتُ الْغَوْصَ فَأَصَبْتُ أَرْبَعِمِائَةَ أَلْفِ دِرْهَمٍ وَ قَدْ جِئْتُ بِخُمُسِهَا ثَمَانِينَ أَلْفَ دِرْهَمٍ وَ كَرِهْتُ أَنْ أَحْبِسَهَا عَنْكَ وَ أَعْرَضَ لَهَا وَ هِيَ حَقُّكَ الَّذِي جَعَلَ اللَّهُ تَعَالَى لَكَ فِي أَمْوَالِنَا فَقَالَ وَ مَا لَنَا مِنَ الْأَرْضِ وَ مَا أَخْرَجَ اللَّهُ مِنْهَا إِلَّا الْخُمْسُ يَا أَبَا سَيَّارٍ الْأَرْضُ كُلُّهَا لَنَا فَمَا أَخْرَجَ اللَّهُ مِنْهَا مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ لَنَا قَالَ قُلْتُ: لَهُ أَنَا أَحْمِلُ إِلَيْكَ الْمَالَ كُلَّهُ فَقَالَ لِي يَا أَبَا سَيَّارٍ قَدْ طَيَّبْنَا لَكَ وَ حَلَلْنَاكَ مِنْهُ فَضَمَّ إِلَيْكَ مَالَكَ وَ كُلُّ مَا كَانَ فِي أَيْدِي شِيعَتِنَا مِنَ الْأَرْضِ فَهُمْ فِيهِ مُحَلَّلُونَ وَ مُحَلَّلٌ لَهُمْ ذَلِكَ إِلَى أَنْ يَقُومَ قَائِمُنَا - فَيَجْبِيهِمْ طَسَقَ مَا كَانَ فِي أَيْدِي سَوَاهِمُ فَإِنَّ كَسْبَهُمْ مِنَ الْأَرْضِ حَرَامٌ عَلَيْهِمْ حَتَّى يَقُومَ قَائِمُنَا - فَيَأْخُذُ الْأَرْضَ مِنْ أَيْدِيهِمْ وَ يُخْرِجَهُمْ مِنْهَا صَغْرَةً<sup>۱</sup>.

در این روایت نقل شده است که مسمع بن عبدالملک متولی غوص بوده و از این طریق چهارصد هزار درهم به دست می آورد و هشتاد هزار درهم را به عنوان خمس به محضر امام صادق علیه السلام آورده و خدمت ایشان عرض می کند که کراهت دارد حق ایشان در اموال را حبس کند. بنابراین در نظر مسمع بن عبدالملک، حق ائمه علیهم السلام صرفاً یک پنجم اموال بوده است. اما امام صادق علیه السلام در پاسخ به او فرموده اند: این گونه نیست که صرفاً خمس اموال متعلق به ائمه علیهم السلام باشد، بلکه کل زمین و هر چه از آن بیرون بیاید، متعلق به ائمه علیهم السلام است. این تعبیر همه آب ها و چیزهایی از قبیل ماهی و مروارید که در آنها قرار دارد را شامل می شود. در ادامه ی روایت، مسمع بن عبدالملک عرض کرده که همه اموال را تقدیم امام علیه السلام کند، اما امام علیه السلام فرموده اند: ائمه علیهم السلام اموال خود را برای شیعیان حلال کرده اند تا زمانی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کنند.

۱. وسائل الشیعة ۹: ۵۴۸.



جلسه: ۷۰  
تاریخ: ۱۴۰۳/۱۰/۰۵

درس: نظام اقتصادی اسلام  
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی  
استاد: علی عندیابی دام ظلّه

ادعا شده است که این روایت ظهور در ملکیت اعتباری ائمه علیهم السلام نسبت به تمامی آب ها دارد؛ چون امام صادق علیه السلام از تعبیر «حَلَلْنَا» استفاده کرده اند که معنای آن این چنین است که اگر تحلیل توسط ایشان صورت نگیرد، برای مردم حق تصرف وجود ندارد؛ در حالی که اگر ائمه علیهم السلام صرفاً ولایت بر تصرف داشتند، اموال برای مردم بوده و در کنار آنها امام علیه السلام نیز حق تصرف داشتند.

به نظر ما اگرچه روایت مسمع بن عبدالملک دلالت می کند که تمامی آب های روی زمین و آنچه در آنها قرار دارد، برای ائمه علیهم السلام است و به تعبیر دیگر در اختیار آنها است، اما اینکه ائمه علیهم السلام مالک هستند و یا اینکه اختیار دارند که به عنوان معصوم و یا حاکم از آن استفاده کنند، روشن نیست؛ چون در این روایت، از تعبیر «انفال» استفاده نشده است تا استفاده شود که در اختیار امام علیه السلام بما هو امام است. فرضاً هم پذیرفته شود که ظهور آن در ملک اعتباری امام بما هو امام باشد و تصرف کردن بر دیگران جایز نباشد، این روایت به جز تعداد بسیار اندکی از فقها، مورد فتوای فقها قرار نگرفته است.

اشکال دیگر این است که در نقل شیخ کلینی، در صدر روایت از تعبیر «إِنِّي كُنْتُ وُلِيَّتُ الْبَحْرَيْنِ الْغَوْصِ»<sup>۱</sup> استفاده شده است که بر اساس آن احتمال داده می شود که تعبیر «الْأَرْضُ كُلُّهَا لَنَا» به معنای تمامی زمین نباشد، بلکه صرفاً سرزمین بحرین مراد بوده است که از باب مفتوحة عنوة بودن بدون اذن امام علیه السلام یا دستیابی بدون لشکر کشی به امام علیه السلام تعلق گرفته باشد. در نتیجه محتمل است که روایت مسمع بن عبدالملک صرفاً ناظر به سرزمین بحرین بوده باشد و اساساً در ارتباط با سایر نقاط زمین مطلبی بیان نکرده باشد.

بنابراین دلیلی وجود ندارد که همه آب ها جزو انفال بوده و منبع اختصاصی برای حکومت هستند الا اینکه مصلحت سنجی شده و اعمال ولایت صورت گیرد.

### آدله قائلین به جزو مشترکات بودن آب ها

در مقابل کسانی که همه آب ها را جزو انفال دانسته اند، سه دلیل اقامه شده است که آب ها جزو مباحات اصلیه و مشترکات هستند؛ لذا همه مردم نسبت به آن مساوی بوده و امکان استفاده خواهند داشت. بر اساس این نظریه، به عنوان مثال رود دجله و فرات اختصاص به کسی ندارند بلکه همه مردم دنیا می توانند از آن استفاده کنند و هر کسی که سریع تر از دیگران اقدام به برداشت آب نماید، متعلق به او خواهد بود.

### دلیل اول: آیه ۲۹ سوره بقره

دلیل اول بر اینکه آب ها جزو مشترکات هستند، آیه شریفه «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً»<sup>۲</sup> است؛ چون بر اساس این آیه شریفه، همه دنیا برای انسان ها خلق شده است و لذا بر آنها جایز است که در هر چیز و از هر جهت که بخواهند تصرف کنند الا اینکه دلیل خاص اقامه شده و تصرف خاصی را منع کرده باشد. بنابراین بر همه مردم مباح خواهد بود که از آب ها برای شرب، کشاورزی، حمل و نقل و سایر امور استفاده کنند و هر آنچه در آب ها قرار دارد، نیز قابل استفاده برای همگان خواهد بود؛ چون جزو مشترکات هستند.

۱. الکافی ۱: ۴۰۸.

۲. سوره بقره ۲۹.



جلسه: ۷۰  
تاریخ: ۱۴۰۳/۱۰/۰۵

درس: نظام اقتصادی اسلام  
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی  
استاد: علی عندلیمی دام ظلّه

مناقشه در این استدلال این چنین است که آیه ذکر شده اساساً در مقام تشریح حکم و بیان اباحه برای انسان ها نیست، بلکه صرفاً بیان کرده است که خلقت زمین برای انسان بوده است تا بتواند به زندگی خود ادامه دهد؛ چون اگر محیط طبیعی برای زندگی انسان وجود نداشته باشد، از بین خواهد رفت. بنابراین از این آیه شریفه استفاده می شود که همه زمین برای انسان خلق شده است و وجود آن برای زندگی بشر لازم بوده است، اما ملازمه ای با این مطلب ندارد که همه تصرفات نیز مباح باشد و ممکن است که تصرف در برخی از اشیای موجود در زمین جایز نباشد.

### دلیل دوم: سیره عقلا

دلیل دوم بر اینکه آب ها جزو مشترکات هستند، سیره عقلا است؛ چون سیره عقلا بر این بوده است که مردم در استفاده از دریاها آزاد بوده و در آنها به اقداماتی از قبیل ماهیگیری یا خارج کردن غوص می پرداخته اند و کسی هم مانع نمی شده است. از طرف این این سیره استمرار داشته و از آن استفاده می شود که همه مردم در استفاده از آب ها مساوی اند و حکومت نیز مجاز به مانع شدن آنها نیست.

به نظر ما اصل وجود چنین سیره ای به صورت فی الجمله مورد پذیرش است، اما از آن استفاده نمی شود که آب ها جزو مشترکات بوده و برای مردم استفاده از آنها مباح بوده است؛ چون ممکن است که آب ها جزو انفال بوده و در اختیار امام علیه السلام باشند، اما با توجه به اینکه ائمه علیهم السلام بسط ید نداشته اند، مردم را از استفاده نهی و منع نکرده اند بلکه اجازه داده اند تا استفاده کردن آنها با مشکل مواجه نشود و از طرف دیگر حکومت ها نیز از این مسأله سوء استفاده نکنند.

بنابراین از این روایت استفاده نمی شود که حکم اولی آب ها مباح بودن استفاده از آنها به دلیل مشترک بودن آن بین مردم است. البته اباحه استفاده کردن شیعیان با چالشی مواجه نیست؛ چون حتی اگر آب ها جزو انفال بوده و متعلق به معصومین علیهم السلام باشد، خود آنها استفاده کردن شیعیان را اجازه داده اند که این اجازه، شامل حکومت نیز می شود. در نتیجه حتی اگر اثبات نشود که آب ها جزو انفال هستند، با توجه به اجازه ای که ائمه علیهم السلام داده اند، استفاده کردن حکومت ها نیز جایز خواهد بود.

### دلیل سوم: عدم اشاره به آب ها در روایات مربوط به انفال

دلیل سوم بر اینکه آب ها جزو مشترکات هستند، عدم اشاره به آبها در روایات مربوط به انفال است؛ چون در هیچ یک از روایات، از دریاها و رودخانه ها به عنوان انفال یاد نشده است که اطلاق مقامی آنها دلالت می کند که آب ها جزو انفال نیستند و وقتی انفال نباشند، جزو مباحات خواهند بود.

به نظر ما اطلاق مقامی قابل تمسک نیست؛ چون روایات این گونه هستند که در برخی از آنها به سه یا چهار مورد از انفال اشاره شده است و در دسته دیگر از روایات، به تعداد دیگری از انفال اشاره شده است. در نتیجه روایات در مقام تحدید همه انفال نبوده اند و از آنها استفاده نمی شود که اگر به موردی اشاره نشده است، به این دلیل بوده است که جزو انفال نیست.